

## شماه‌ای از فعالیت‌های زنان برای احقاق حقوق اجتماعی

در سال‌های ۱۳۲۴-۱۳۲۵ (۱۹۴۵-۱۹۴۶)

ایرج تنهاتن ناصری\*

### چکیده

جنگ جهانی دوم در سال ۱۳۲۴ ش / ۱۹۴۵ م به پایان رسید. پیروزی متفقین ظاهراً دنیایی آزاد و دموکرات را به ملل گیتی نوید می‌داد. مردم ایران که کشورشان از سال ۱۳۲۰ ش توسط نیروهای متفقین اشغال شده بود، امیدوار شدند که به‌زودی سربازان آنان خاک ایران را ترک خواهند کرد. از سوی دیگر فضای باز سیاسی حاصل از سقوط سلطنت دیکتاتوری رضا شاه و اجرای قانون اساسی مشروطه، مملکتی آزاد و مردمی را به ایرانیان بشارت می‌داد. از این‌رو جنب و جوش و هیجان‌های اجتماعی در جامعه ایران به‌خصوص شهرهای بزرگ ایجاد گردید. زنان نیز با توجه به جریان‌ات روز و افزایش آگاهی و معلومات اجتماعی، به اهمیت نقش خود در جوامع واقف گردیده و برای احقاق حقوق اجتماعی پایمال شده خود به فعالیت پرداختند و با عضویت در احزاب و تشکیل کانون‌ها و انجمن‌ها و انتشار روزنامه و مجله و جلسات سخنرانی به طرح و بررسی مسائل زنان ایران همت گماشتند. این مقاله بر آن است تا با استناد به اسناد آن دوران شماه‌ای از فعالیت زنان را در سال‌های ۱۳۲۴-۱۳۲۵ ش / ۱۹۴۵-۱۹۴۶ م که مصادف با پایان جنگ جهانی و بحران آذربایجان است، مورد بررسی قرار دهد.

واژگان کلیدی: مبارزه، زنان، ایران، حقوق اجتماعی، ۱۳۲۴-۱۳۲۵ ش.

\* استاد گروه تاریخ، دانشگاه تهران.

مقدمه

جنگ جهانی دوم و اشغال خاک ایران توسط نیروهای متفقین در سوم شهریور ۱۳۲۰/۲۵ اوت ۱۹۴۱ م نقطه عطفی در تاریخ معاصر ایران است؛ همه ارکان مملکت و جامعه ایران تحت تأثیر آن قرار گرفت. در نتیجه مصائب و مشکلات متعددی گریبانگیر ایرانیان گردید. آنچه دردناک به نظر می‌رسد، اعمال نفوذ دولت‌های متفقین در دستگاه‌های حاکمیت ایران که مصیبتی بزرگ برای دولت‌های مسئول بود. رفتار تحکم‌آمیز برخی از فرماندهان نظامی و مأمورین سیاسی و سربازان آن‌ها مزید بر علت شده، احساس حقارت‌آمیز در مردم به وجود آورده بود. اما یکی از پی‌آمدهای مهم جنگ و اشغال خاک ایران سقوط سلطنت دیکتاتوری رضاشاه بود. (آوری، ۱۳۳۲: ۱۹۱ - لنجافسکی، ۱۳۵۱: ۲۲۱) این اتفاق فضای سیاسی کشور را از اختناق چندین ساله رهایی بخشید و جنب و جوشی در مردم به خصوص در شهرهای بزرگ ایجاد کرد. در اندک زمانی روزنامه‌های متعددی انتشار یافت. احزاب سیاسی یکی بعد از دیگری ظهور کرد. فعالیت‌های تبلیغاتی احزاب اقشار جامعه ایران را به هیجان آورده بود. از این‌رو جامعه استبدادزده ایران به یک‌باره عرصه ایدئولوژی‌ها و عقاید گروه‌های مختلف مردم گردید.

شکست آلمان و پیروزی متفقین در سال ۱۳۲۴ ش/ ۱۹۴۵ م در اروپا، پایان جنگ در نیم‌کره غربی را اعلام داشت و چند ماه بعد با انفجار بمب‌های اتمی در هیروشیما و ناکازاکی به جنگ مرگبار بین‌الملل دوم خاتمه داد. مژده تمام جنگ برای مدت کوتاهی بارقه امیددی در دل‌های ایرانیان ایجاد کرد. یک روز تعطیل عمومی اعلام شد و در میادین برخی شهرها جشن گرفتند. (روزنامه فروغ ۱۳۲۴) ایرانیان امیدوار بودند که به‌زودی نیروهای متفقین خاک ایران را ترک کرده و غرامت وارده از حضور نیروهایشان را به مملکت جبران نموده و دولت ایران را در ابعاد مختلف اقتصادی و تکنولوژیکی و اجتماعی کمک کرده و به رنج چندین ساله ایرانیان پایان خواهند داد. اما اوضاع به گونه دیگر درآمد. شوروی‌ها از تخلیه نیروهای خود از خاک ایران خودداری ورزیدند و زمینه مشکلات و مسائلی مانند غائله آذربایجان و کردستان را فراهم ساختند. (بیانی، ۱۳۵۷: ۲۵۲)<sup>۱</sup> دولت‌های انگلیس و آمریکا از شرایط موجود استفاده کرده تعهدات خود را کم‌اهمیت شمرده صرفاً به حمایت سیاسی ایران در برابر شوروی اکتفا کردند. روند جریان‌ات به حدی حساس و خطرناک شد که تمامیت ارضی و استقلال کشور در معرض تهدید جدی و تجزیه قرار گرفت. بدین‌سان سایر مسائل مملکت تحت‌الشعاع حوادث مذکور

۱. سازمان اسناد وزارت امور خارجه ایران کارتن ۱۲ جزودان ۱۲ پرونده ۱۱۱ سند شماره ۳۲۸۲ بهمن ۱۳۲۴ ش گزارش سرکنسول ایران در باکو.

قرار داشت. مع‌هذا این امر مانع این نبود که اقشار مختلف جامعه ایران از طرح حقوق اجتماعی خود صرف‌نظر کنند؛ از جمله زنان که فضا و فرصتی برای اعتراض به حقوق اجتماعی پامال شده خود به‌دست آورده بودند به فعالیت برخاسته، ندای حق‌طلبانه بلند کردند. اصولاً زنان ایران پیش از مردان از گرفتاری‌های جنگ و اشغال خاک ایران رنج برده بودند. آوارگی و قحطی و فقر و گرانی فشار طاقت‌فرسایی را به خانواده‌های طبقات متوسط و پایین جامعه وارد می‌ساخت. زنان ناگزیر سنگینی این مشکلات را تحمل می‌کردند و در نتیجه بیش از سایر افراد خانه در عذاب بودند. از سوی دیگر رویدادهای سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و بیم و امیدهای تبلیغاتی تأثیر قابل ملاحظه‌ای در افکار زنان شهری داشت. گروه‌هایی از زنان در ادارات دولتی، دانشگاه و وزارت فرهنگ و بیمارستان‌ها و کارخانجات مشغول خدمت بودند و مسئولیت بخشی از چرخ اقتصادی و فرهنگی مملکت را به عهده داشتند. آن‌ها از جریانات سیاسی داخلی و بین‌المللی مطلع و از حقوق پامال شده خود به‌خوبی آگاه بودند و به تفاوت بارز و آشکار تبعیض نسبت به زنان ایران وقوف داشتند. از این‌رو نه‌تنها نسبت به سرنوشت مملکت و تهدیدات خارجی و ناآرامی‌های عمومی داخلی حساسیت نشان می‌دادند و در اعتراضات به اشغال ایران و اعمال دولت‌های مسئول شرکت می‌کردند، بلکه فعالیت‌هایی برای احقاق حقوق اجتماعی زنان نیز داشتند. اقدامات آن‌ها و طرفداران حقوق زنان در دو بُعد سیاسی و اجتماعی قابل ذکر است.

پس از پیروزی متفقین در اروپا در اواسط بهار سال ۱۳۲۴ ش ۱۹۴۵ م (گیمبرگ، ۱۳۷۱: ۲۴۲) هیتی به سرپرستی مصطفی عدل وزیر دادگستری ایران جهت شرکت در کنفرانس ملل متحد متفق برای تشکیل سازمان ملل متحد به امریکا اعزام شد. ایران سیزدهمین کشور بنیان‌گذار سازمان ملل متحد است. در سر فصل منشور سازمان ملل تساوی حقوق بشر بدون تفاوت جنس و نژاد و مذهب قید شده است و دولت ایران آن را پذیرفته و به اجرای آن متعهد گردیده است<sup>۱</sup>. این اصل را زنان ایران مبنای مبارزات اجتماعی خودشان قرار دادند. اما ساختار جامعه سنتی و مردسالارانه ایران و برخی آداب و رسوم مذهبی و سنتی آن‌ها را از بعضی آزادی‌های معمول اجتماعی بازداشته بود؛ حتی قانون اساسی مشروطه ایران زنان را از شرکت در انتخابات محروم کرده بود و رضاشاه علی‌رغم تبلیغ تجددخواهی از اقدام در این‌باره خودداری ورزید.

در سال ۱۳۲۴ دوره مجلس چهاردهم که آخرین ماه ادواری مجلس را طی می‌کرد، گروهی از

1. (F.R. of U. S. Tehran 710 Allied Troops in Iran May 10 San Fransisco Vol. 8 p 369).

زنان که در فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی شرکت داشتند در صدد اصلاح قانون اساسی و کسب حقوق اجتماعی خود برآمدند. در این برهه رخدادهای داخلی و خارجی برای آنان مغتنم و مشوق مناسبی بود. اما مشکلات داخلی و تجاوزات خارجی آنان را از مبارزات جدی و اقدامات مسائل ساز باز می‌داشت.

قبل از بررسی فعالیت‌های زنان در سال‌های مذکور بهتر آن است که به ساختار جمعیت زنان در تهران و حومه طبق آمار تقریبی در دسترس نگاهی بیاندازیم. در دوران جنگ مصائب و گرفتاری‌های دولت ایران به حدی بود که در اداره امور عادی مملکت با مشکلات متعددی مواجه بود. از این رو بسیاری از وظایف مملکت‌داری دچار رکود گردیده بود. از جمله اداره ثبت و اسناد وزارت کشور که از اجرای برنامه سرشماری و آمار جمعیت درمانده بود. بنابراین، در سال‌های جنگ اطلاع کافی و موثقی از کم و کیف جمعیت ایران در اختیار نیست. لذا ناگزیر به آخرین گزارش آمار جمعیت مربوط به تهران و حومه که در اسفند ماه ۱۳۱۸، چند ماه قبل از آغاز جنگ جهانی دوم گرفته شده، رجوع شده است. با این امید که با ضریب چند درصد اختلاف، مقیاسی نسبی در مورد جمعیت زنان آن سال‌ها، آن‌هم تنها در پایتخت و حومه آن، در اختیار قرار گیرد. متأسفانه آمار مذکور در مورد مشاغل، نوع کار و فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی اطلاعی ندارد و صرفاً آمار ساده جمعیت و تقسیمات آن است. به هر حال جمعیت تهران و حومه در اسفند ماه سال ۱۳۱۸، ۵۴۰,۰۸۷ نفر بوده است که از این تعداد دو پنجم آن و یا به عبارت دیگر ۲۲۸,۰۴۹ نفر آن زن بوده است. تعداد زنان باسواد ۶۸,۱۵۶ نفر بوده - قرائن نشان می‌دهد این آمار بدون در نظر گرفتن سطح سواد و صرفاً هر کس که تحت آموزش قرار گرفته بوده است (در سنین متفاوت از ۵ تا ۹۹ سالگی) و تعداد زنان بی‌سواد سه برابر یا ۱۵۹,۸۹۳ نفر بوده‌اند. براساس آمار و اطلاعات موجود می‌توان ویژگی‌های جمعیت‌شناختی زنان را در این دوران به‌طور مختصر به‌صورت زیر ارائه داد:

الف: زیر ۲۰ سال؛ ۳۳ درصد متأهل و ۶۷ درصد مجرد؛ باید توجه داشت که سن قانونی ازدواج در آن هنگام هجده سال بوده است.

ب: بین ۲۰ تا ۴۰ سالگی؛ ۷۹ درصد متأهل و ۲۱ درصد مجرد. علت تجرد: ۱۲ درصد مجرد مطلق؛ ۶ درصد در نتیجه طلاق و ۳ درصد در اثر فوت شوهر.

ج: بین سن ۴۰ تا ۶۰ سالگی؛ ۵۵ درصد متأهل و ۴۵ درصد مجرد علت تجرد: ۳۰ درصد بیوه؛ ۱۱ درصد مجرد مطلق و ۴ درصد طلاق.

د: بین ۶۰ تا ۱۰۰ سالگی؛ ۱۳ درصد متأهل و ۷۸ درصد مجرد. علت تجرد: ۶۱ درصد فوت شوهر؛ ۱۳ درصد طلاق و ۱۱ درصد مجرد مطلق.

بررسی آمار نشان می‌دهد ۱۵ درصد از دخترانی که در روز سرشماری به سن رشد نرسیده بودند مجرد مطلق بوده و ۱۸ درصد در اثر فوت شوهر و ۵ درصد در اثر طلاق بیوه بوده‌اند. این آمار مبین ازدواج زودهنگام، فقدان آگاهی خانواده‌ها و برخی سنت‌ها و مشکلات خانوادگی بوده است. به نظر می‌رسد این آمار در مورد زنان مجرد شامل بیوه، مجرد مطلق و مطلقه در دوران جنگ افزایش یافته باشد. نکته قابل ملاحظه از بُعد اجتماعی این است که در این آمار ۴۵ درصد زنان بین ۴۰ تا ۶۰ سالگی مجرد بوده و ناگزیر بوده‌اند سنگینی فشارهای روانی و اقتصادی و به‌خصوص خانوادگی را از هر جهت تحمل کنند. ضمناً این‌طور استنباط می‌شود که مردان - به هر دلیل - مجرد در همین سنین برای ازدواج به زنان جوان‌تر روی می‌آوردند. بدین‌گونه در آن شرایط اجتماعی گروه کثیری از زنان مجرد، آینده دلپذیری را در پیش نداشتند. اما این شرایط در برانگیختن زنان به فعالیت‌های اجتماعی برای بهبود امکانات زندگی تقریباً نیمی از افراد جامعه بسیار مؤثر بوده است.<sup>۱</sup>

ماجرای حزب دموکرات آذربایجان گرچه خارج از موضوع مورد بحث در این مقاله است، مع‌هذا باید به این نکته توجه شود که تشکیل مجلس مؤسسان و تنظیم قانون اساسی و انتخابات مجلس آذربایجان از اقدامات سران حزب دموکرات بود. در آذر ماه ۱۳۲۴ انتخابات مجلس در آن خطه آغاز گردید. در نظام‌نامه انتخابات، زنان را از شرکت در انتخابات محروم نکردند بلکه حق انتخاب کردن و انتخاب شدن به آن‌ها دادند. ضمناً کمیته‌های زنان در شهرها و محله‌ها تشکیل داده بودند که حاکی از فعالیت‌های اجتماعی زنان آن خطه بود و برای اولین بار در تاریخ ایران گروهی از زنان ایران در انتخابات شرکت کردند و بدین ترتیب در بخشی از مملکت گروهی از زنان ایران به نحوی از بارزترین حقوق اجتماعی خویش برخوردار شدند و این حق برای مدتی در آن سامان به رسمیت شناخته شد.<sup>۲</sup>

این رویدادها و خبر آن برای زنان سایر مناطق بسیار مهم بود و به‌صورت انگیزه برای تشدید فعالیت‌های آنان درآمد. زنان با شور و شوق در شهرهای بزرگ به‌خصوص پایتخت بر اقدامات خود افزودند. در این سال دو روزنامه به نام‌های رستاخیز به مدیریت ایراندخت تیمورتاش و زن امروز به مدیریت بدرالملوک بامداد و سه مجله به نام‌های نیرو و راستی به همت منیر مهران و بیداری ایران ارگان تشکیلات زنان به کوشش زهرا اسکندری و بانو توسط نیر سعیدی منتشر می‌شد. علاوه بر این حزب زنان، کانون بانوان و انجمن‌های متعددی توسط زنان تشکیل گردید. روی هم رفته هدف آن‌ها اصلاح قانون اساسی و تغییر در نگرش جامعه مردسالارانه ایران نسبت

۱. سازمان اسناد ملی ایران - کتابخانه مرکز آمار ایران شماره ۱۸۴۱۱ شماره سند ۷۰۴۶ و ۱۰۳۰۰۷.

2. (Reel 2 of 18 Microfilm No. 301. 89100/2-1946 No. 251 Feb., 19/ 1946 Sof S).

به زنان و رفع ظلم و تعدی از زنان و احقاق حقوق اجتماعی آنان و تساوی حقوق سیاسی و اقتصادی و اجتماعی زن و مرد در ایران بود.

در تاریخ ۱۹ آبان تشکیلات زنان طی نامه‌ای به هیئت وزرا اظهار داشت:

«کنگره بین‌المللی زنان در پاریس از تشکیلات زنان در ایران دعوت کرده است که نمایندگان را برای شرکت در کنگره که در روز ۲۶ نوامبر سال جاری [در پاریس برگزار می‌شود] اعزام نماید...»

تشکیلات زنان خانم‌ها، زهرا اسکندری و شاهزنان وزیری و مریم فیروز را انتخاب و معرفی کرده و از هیئت دولت برای هر سه نفر تقاضای صدور گذرنامه به نام آن‌ها نموده بود.<sup>۱</sup> نخست‌وزیر نیز طی نامه‌ای به شهربانی کل دستور داد: «طبق مقررات برای صدور گذرنامه به نام آن‌ها اقدام نمایند»<sup>۲</sup> اداره اقامت اتباع خارجه و گذرنامه برای دو نفر اول گذرنامه صادر کرد. طبق گزارش شهربانی مریم فیروز «تحت عنوان سرکشی به املاک موروثی و علاقجات خود و به منظور عزیمت به بغداد»<sup>۳</sup> ظاهراً از دریافت گذرنامه منصرف شده بود. مع‌هذا روزنامه ایران ما در شماره ۴۵۲ مورخ ۹ آذر ۱۳۲۴ در صفحه خبرها نوشته است:

در نخستین کنگره بین‌المللی زنان در پاریس که در آذرماه تشکیل شد صفیه فیروز - خانم سرلشکر فیروز - از اعضای هیئت دبیرخانه حزب زنان که در آن هنگام در لندن حضور داشت از طرف زنان ایران در کنگره شرکت کرد، در این کنگره هشتصد و پنجاه نفر نماینده زنان از چهار کشور جهان شرکت داشتند و در جلسات کنگره از مبارزات زنان برای آزادی و مبارزه با فاشیسم تقدیر به عمل آمد.<sup>۴</sup>

از حضور سایر نمایندگان ایران در کنگره اطلاعی در دست نیست.

در تهران نیز جلسات سخنرانی درباره مسائل زنان ایرانی منعقد می‌شد. فاطمه سیاح در یک سخنرانی در مورد حقوق زنان ایران و لزوم شرکت آن‌ها در انتخابات دوره پانزدهم مجلس، به شرایط زنان در اروپا اشاره کرد که در اکثر کشورهای اروپایی حقوق زنان به رسمیت شناخته شده

۱. سازمان اسناد ملی شماره ۵۹۰/۳۱۰۰۰۷۶۰ ض ۲ آد ۱ برنوده ۰۰۰۳۰۳۳۴ تشکیلات زنان سند شماره ۵۷ مورخ ۱۹ آبان ۱۳۲۴ ش.
۲. سازمان اسناد ملی همان شماره، سند شماره ۱۴۲۸۱ مورخ ۱۳۲۴/۸/۲۰.
۳. سازمان اسناد ملی همان شماره، سند شماره ۸۰۶۹ مورخ ۱۳۲۴/۹/۱۹ ش.
۴. شماره ۴۴۹ مورخ ۶ آذر ۱۳۲۴.

است و خاطر نشان می‌کند حتی کاتولیک‌ها که به شدت با شرکت زنان در انتخابات مخالف بودند، به اقتضای شرایط زمان در این امر تجدید نظر کردند. (این موضوع به حدی قابل ملاحظه شده بود که پاپ، رهبر کاتولیک‌های جهان حق شرکت زنان در انتخابات را نه تنها جایز شمرده بلکه آن‌ها را در این امر تشویق نموده بود.) وی با اشاره به این‌که کشورهای ترکیه و آذربایجان شوروی و ازبکستان و تاجیکستان با وجودی که همه مسلمان‌اند اما در تمام آن‌ها زنان و مردان بدون تفاوت در حقوق و شئون اجتماعی و فرهنگی و از مزد کار برحسب معلومات به‌طور یکسان بهره‌مند می‌شوند، وضع زنان ایران را مورد انتقاد قرار می‌دهد و خواستار رفع تبعیض بین زن و مرد و بهبود شرایط اجتماعی آن‌ها می‌شود.<sup>۱</sup>

حزب زنان و تشکیلات زنان پایتخت متفقاً نامه سرگشاده‌ای به مجلس شورای ملی ارسال کردند و توجه نمایندگان را به مسائل زنان خواستار شدند که به آرزوی دیرینه زنان ایران جامعه عمل بپوشانند و اجازه دهند «زنان هم مثل مردان وارد امور اجتماعی و سیاسی شوند» تا بتوانند دوشادوش مردان در دفاع و اعتلای کشور همگام شوند. آنان به نقش زنان کشورها در جنگ جهانی دوم که در کارخانجات اسلحه‌سازی و در جبهه جنگ همراه مردان برای وطن‌شان فداکاری کرده‌اند، اشاره نموده و متذکر شدند:

مسلم است که اگر زن‌ها در تعیین سرنوشت جامعه شریک نباشند در دفاع از آن هم، شکی نیست، [که] نمی‌توانند تشریک مساعی بکنند. این امر را جنگ امروز و شرکت زنان در آن کاملاً ثابت کرده است و خواهران ایرانی ما باید هر چه زودتر قدم به میدان بگذارند و از این تجربه بزرگ برای سعادت میهن خود استفاده کنند.

آن‌ها سپس از تمام آزادی خواهان ایران و روزنامه‌ها استمداد طلبیده که به آن‌ها مساعدت کنند. (طیبرانی، ۱۳۷۵: ۶۶).

اما دولت‌های ایران به واسطه مشکلات و گرفتاری‌های متعدد و سخت که از پی آمده‌های جنگ و فقدان همبستگی ملی بین رجال و سیاست‌مداران و تعصبات برخی از افراد و بزرگان، دولت و نمایندگان، مجلس را از هرگونه اقدامی در این باره بازداشت و به عبارت دیگر آن را نادیده گرفتند.

چند ماه بعد تشکیلات مذکور بار دیگر نامه سرگشاده‌ای به نخست‌وزیر نوشته و رونوشت آن را به روزنامه‌های پایتخت فرستادند. حزب زنان ضمن اشاره به نامه قبلی که در مجلس

۱. روزنامه فروغ سال اول شماره ۲۷ چهارشنبه ۱۹ در ماه ۱۳۲۴.

مسکوت مانده و هیچ‌گونه اقدام و یا پاسخی به آن داده نشده بود، از رجال سیاسی گله کردند. آن‌ها بر این باور بودند که تحولات شگرف چندین ماهه اخیر در جهان موجب گردیده حقوق زنان در اکثر ممالک دنیا به رسمیت شناخته شود و برای نمونه از کشورهای فرانسه و ژاپن ذکر کردند. همچنین به بیانیهٔ پاپ که از رادیو واتیکان پخش شده بود که زنان کاتولیک را به شرکت در انتخابات ترغیب کرده بود اشاره کردند. آن‌گاه با استناد به منشور سازمان ملل متحد در کنفرانس سان فرانسیسکو که به تصویب نمایندگان ملل از جمله ایران رسیده بود، به تعهدات دولت برای اجرای مفاد آن اشاره کرده و بر یکی از مواد آن، که تساوی حقوق اجتماعی بدون تفاوت جنس و نژاد... است تأکید کردند و سپس از این‌که دولت ایران این مواد را نادیده گرفته و پس از چندین ماه از تصویب آن هنوز در ایران به اجرا درنیامده ابراز تأسف کردند. آن‌گاه به مهم‌ترین هدف حزب زنان که هدفش احقاق حقوق اجتماعی زنان ایران است پرداخته، و در نخستین گام حق شرکت زنان را در انتخابات و انتخاب شدن خواستار می‌شوند. در خاتمه این نامه سرگشاده آمده است:

حزب زنان با توجه به مسائل فوق‌الذکر می‌دارد چنان‌چه کشور ما می‌خواهد در موقعیتی میان دول متمدن دنیا داشته باشد و از یک اصول حقیقی دموکراسی پیروی نماید بداند که وضعیت فعلی زنان در ایران با این ارزش قابل تطبیق نبوده و قهراً باید تغییر یابد؛ زیرا امروز در تمام عالم دیگر هیچ قوم متمدن و تابع اصول دموکراسی یافت نمی‌شود که زنان در آن‌جا از مقام و حقوق اجتماعی بهره‌مند نباشند.

همچنین در این نامه سرگشاده حزب زنان به کشورهای عقب‌مانده با حکومت‌های فاشیستی اشاره می‌کند که زنان را «به منزلهٔ ماشین بچه درست کردن می‌پنداشتند» که هدف آنان کثرت نفوس و نفرات بیشتر برای اعزاز به جبهه‌های جنگ بوده که فاجعه به بار آورده است. در همین راستا دولت را مورد خطاب قرار داده که:

اکنون برای دولت ایران واقعاً بسی خجالت‌آور است که در ردیف کشورهای عقب‌مانده تلقی شود و همچنین سزاوار نیست که دولت ما خود را بازیچهٔ یک مشت عناصر مرتجع بنماید [که] متأسفانه در جریان سال‌های اخیر معلوم نیست به چه علت این اندازه قدرت و نفوذ پیدا کرده‌اند.

همچنین با پرداختن به بحث قانون اساسی اصلاح قانون انتخابات را ضروری تلقی کرده و



اعتقاد دارند که: «شایسته است بی‌عدالتی را که تاکنون به حقوق زنان ایرانی روا داشته‌اند مرتفع نمایند»<sup>۱</sup>.

برخی از رجال سیاسی و مطبوعات علی‌رغم معضلات متعدد مملکت، در سخنرانی‌ها و مقالات از حقوق اجتماعی زنان دفاع می‌کردند و دولت و مجلس را به‌خاطر اهمال و عدم توجه به مسائل زنان مورد انتقاد و اعتراض قرار می‌دادند. به‌خصوص آن‌که دولت ایران در کنفرانس سانفرانسیسکو تعهد کرده بود که حقوق زنان را در تمام شئون اجتماعی رعایت کند. اما چندین ماه گذشته بود و اقدامی در این‌باره صورت نگرفته بود.

حکیمی، نخست‌وزیر در جلسه ۱۵۶ مجلس شورای ملی دوره چهاردهم درباره برنامه دولت خود به تعهدات بین‌المللی ایران اشاره دارد و خود را متعهد به اجرای آن می‌داند و اضافه می‌کند که «همچنین مراقبت خواهد نمود تعهداتی که دولت ایران طبق منشور ملل متحد نموده است اجرا گردد.» اما در مورد تساوی حقوق اجتماعی زنان با مردان اشاره نکرد. این موضوع به‌طور کلی نادیده گرفته می‌شد.<sup>۲</sup>

رضازاده شفق، وکیل مجلس، بدون اشاره به حقوق اجتماعی زنان و تعهد دولت و وظایف مجلس در اصلاح قانون اساسی، در یکی از سخنرانی‌ها خود درباره زنان کشور آن‌ها را مورد خطاب قرار می‌دهد که:

زن‌های ایران موظفند تکلیف مهمی در شعبات اقتصادی و اخلاقی و اجتماعی جامعه انجام دهند. در ادبیات و هنر [های] زیبا شعبه دیگری است که زن‌ها می‌توانند در آن رشته از پروین اعتصامی شاعر شیرین سخن متجدد پیروی نمایند. هم‌اکنون رادیو بتواند سخن‌گو استخدام کرد [...] از این‌رو واضح است که فرصت‌های بی‌شماری در دسترس خانم‌های ایران قرار دارد.<sup>۳</sup>

ابراهیم فخرایی مدیر روزنامه فروغ در مقاله‌ای درباره بی‌توجهی به حقوق زنان این‌روز و بوم می‌نویسد:

چطور ممکن است یک کشور را با اصول کهنه و ارتجاعی اداره نمود که در آن زنان یعنی نصف بیشتر اهالی این کشور از هرگونه حقوق اجتماعی محروم باشند و میان افراد آن اختلاف طبقاتی به شدت موجود باشد.

۱. سازمان اسناد ملی ایران ۱۰۹۰۰۴-۱۳۷۱ به نقل از احزاب سیاسی ایران ۶۸-۷۰.
۲. روزنامه مذاکرات مجلس سال اول شماره ۲۱۳ دوشنبه ۱۴ آبان ۱۳۲۴.
۳. روزنامه ایران ما سال سوم شماره ۴۴۰ سه‌شنبه ۲۳ مرداد ۱۳۲۴.

سپس به تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی که در آن روزها مورد بحث در دولت بود اشاره دارد که در قوانین انجمن‌های ایالتی و ولایتی شرکت زنان را منع کرده و توصیه می‌کند، دولت که در صدد اصلاح این قوانین است این نکته را ملحوظ دارد و:

به زن‌ها نیز حق شرکت در انتخابات‌های انجمن ایالتی و ولایتی را بدهد... اصلاح حقوق و شئون زنان از روی اساس حقیقی و متکی بر اصل مساوات و عدالت اجتماعی باشد<sup>۱</sup>.

فخرایی زمانی که انتخابات مجلس پانزدهم در شرف برگزاری بود به مردم ایران توصیه کرد: امروز بر هر فرد ایرانی با فهم واجب [است] که در انتخابات شرکت جسته، دوستان و اطرافیان را در شرکت جستن در انتخابات تشویق کند.

آن‌گاه به مسئله زنان می‌پردازد و با توجه به این که در مجلس چهاردهم در مورد اصلاح قانون اساسی و شرکت زنان در انتخابات تصمیمی گرفته نشده بود، ضمن تأیید غفلت اولیای امور در مورد حقوق زنان به آن‌ها در مورد انتخابات توصیه جالب توجهی می‌کند:

به خانم‌های محترم که از حق رأی محروم مانده‌اند تذکر می‌دهم که از وسایل ممکنه استفاده نموده و اطرافیان خود را از قبیل نوکر، باغبان، مستخدم و اشخاص بی‌سواد که دارند تشویق نمایند در انتخابات شرکت جسته و به وکلای صالح رأی دهند تا از شرکت در انتخابات محروم نمانند. بدین طریق بانوان می‌توانند با وجود نداشتن حق رأی عملاً در انتخابات شرکت جویند<sup>۲</sup>.

دکتر محمود افشار، مدیر مجله آینده، خواستار شرکت زنان و جوانان از سن هجده سالگی در انتخابات مجلس پانزدهم گردید<sup>۳</sup>.

احزاب سیاسی هم به این مسئله توجه داشتند. برای جلب آن‌ها در بیانها و اعلانات به مسئله حقوق اجتماعی زنان می‌پرداختند. برای نمونه حزب آزاد که موجودیت خود را در بهمن ماه ۱۳۲۴ اعلام کرد، در بیانهای مرامنامه و اهداف سیاسی - اجتماعی و اقتصادی حزب را انتشار داد و در مقدمه نوشت:

حزب آزاد به لزوم اجرای مفاد کامل منشور ملل متفق ایمان دارد و برای عامه ایرانیان از

۱. روزنامه فروغ شماره ۲۷ چهارشنبه ۱۹ در ۱۳۲۴.

۲. روزنامه فروغ سال اول شماره ۲۳ دوشنبه ۲ دی ماه ۱۳۲۴.

۳. روزنامه فروغ ایران، همان.

هر نژاد و مذهب و جنس (اعم از زن و مرد) قائل به تساوی کامل حقوق است. حداکثر جدیت را برای پیشرفت این منظور مقدس بشری خواهد کرد.

و در ماده هفت مرامنامه خود دولت را موظف به تهیه کار با مزد کافی و در نظر گرفتن بعد اجتماعی و سایر مزایای قانونی برای کلیه افراد کشور بدون تفاوت جنسی، مذهبی و نژادی می‌داند.<sup>۱</sup>

روزنامه فروغ در سرمقاله‌ای تحت عنوان «زن و اوضاع اقتصادی او» شرایط اجتماعی زنان را مورد انتقاد قرار داده و به دیدگاه عامه مردم در مورد زن در قرون گذشته که فقط «برای التذاذ مرد و تولید مثل و رفع حوایج ضروری خانگی آفریده شدند» و از هیچ‌گونه حقی در آن دوران برخوردار نبودند، اشاره می‌کند. نویسنده معتقد است که در دنیای آن زمان زنان یکی از عوامل مهم تولید در خانه و همواره در فعالیت و تلاش بوده‌اند و علت محرومیت و محدودیت زنان را در قرون گذشته ناشی از فقدان وسایل کار و تولید اقتصادی می‌داند. سپس به عصر کنونی می‌پردازد که پیشرفت شگفت‌انگیز و حیوت‌آوری که در وسایل کار و تکنولوژی روی داده، موجب شده است که روابط حاکمه بین مرد و زن را دگرگون سازد. وی بر این باور است که ادامه شرایط پیشین نه منطقی و نه ممکن است. نویسنده مسئله آزادی زنان را به مسائل کارگران تشبیه کرده و آن را نشأت گرفته از انقلاب و دگرگونی‌های بزرگی که اختراعات و تکنولوژی به وجود آورده است، می‌داند و تأکید دارد که این مسئله موضوع سیاسی و یا اخلاقی نیست گرچه در آن مؤثر است بلکه یک امر اقتصادی است.

در ادامه مقاله آمده است:

تاکنون مقتضیات جامعه چنان ایجاب می‌کرد که نیمی از افراد اجتماع فاقد شرایط لازم پیشرفت باشند افق اندیشه‌های زن از نگهداری منافع و مصالح خانه فراتر نمی‌رفت و زن همچنان در میان چهار دیوار خانه محبوس بود. صفات فداکاری و از خودگذشتگی و عواطف عالی نوع‌دوستی وی از محیط خانه هرگز خارج نمی‌شود و شامل جامعه و دیگر افراد آن نمی‌گردد.

و بالأخره نتیجه می‌گیرد که زنان نه تنها شایسته اجرای یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین وظایف اجتماعی هستند بلکه وظایف مزبور را در شمار نقش طبیعی آن‌ها می‌داند و سرانجام

۱. روزنامه فروغ سال اول شماره ۵۲-۸ بهمن ۱۳۲۴.

قاطعانه ابراز می‌کند که «نقش مهمی را که زن در دوران پیشین در خانه بازی می‌کرده از اعتبار افتاده و ادامهٔ آن روش دیگر مقدور نخواهد بود.»

در این هنگام حزب زنان اطلاعیه‌ای صادر کرد مبنی بر این‌که در مجلس چهاردهم عده‌ای از وکلای فراکسیون توده، مادهٔ واحده‌ای دربارهٔ تساوی حقوق زنان به مجلس پیشنهاد کرده‌اند. متن مادهٔ واحده بدین مضمون منتشر شده بود.

مادهٔ واحده: بانوان می‌توانند با همان شرایطی که دربارهٔ مردان مقرر است از مزایای اجتماعی از قبیل حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در مجلس مقننه و انجمن‌های ایالتی و ولایتی و غیره استفاده نمایند.

سپس حزب زنان ابراز امیدواری می‌کند که نمایندگان مجلس که روشنفکران جامعه‌اند در مورد پیشنهاد آن‌ها بذل توجه کرده و در رفع نواقص و اصلاح قوانین اساسی همت کنند و انتظار می‌رود که نمایندگان بیش از این تحمل نخواهند کرد که «خواهران آن‌ها از حقوق و امتیازاتی که امروز در تمام کشورهای متمدن و دموکراسی حق طبیعی مسلم آن‌ها شناخته می‌شود محروم بمانند.»

در ادامه حزب زنان، آزادی خواهان ایران را مورد خطاب قرار داده که:

زنان و مردان آزادی خواهی که سالیان دراز آرزو داشتند که زنان هم مثل مردان وارد امور اجتماعی بشوند امروز وقت آن رسیده که کمر همت بر میان بسته در این قدم جدی با سایر آزادی خواهان همکاری نمایند.<sup>۱</sup>

انعکاس جنبش زنان پایتخت و فعالیت‌های تبلیغاتی آن‌ها در برخی از شهرستان‌ها موجب تکاپوی عده‌ای از زنان گردید. حزب زنان از این تمایلات استفاده کرده در صدد برآمد در شهرستان‌هایی که این امکان وجود دارد به فعالیت پردازد. قبل از آن‌که مراحل اولیه فعالیت‌های دموکرات‌های آذربایجان شکل بگیرد، حزب زنان شعبهٔ خود را در اردبیل افتتاح کرد و نخستین جلسهٔ آن در منزل شخصی به نام سلطان‌علی، که راننده بود، تشکیل گردید و در مورد مرانامهٔ حزب مطالبی گفته شد و رونوشت آن را به شهربانی اردبیل ارسال کردند. با توجه به مسئلهٔ آذربایجان و جنبش دموکرات‌ها که چندی بعد روی داد، از ادامهٔ فعالیت این حزب اطلاع بیشتری در دسترس نیست.<sup>۲</sup>

۱. سازمان اسناد ملی شمارهٔ ۱۰۹۰۰۳-۳۸۹ به نقل از احزاب سیاسی ایران ص ۶۷.

۲. سازمان اسناد ملی ۱۰۹۰۰۳-۳۸۹، ۱۹۴۸-۱۳۰۱ مورخ ۱۳۲۴/۶/۱۴.

در بهبهان هم زنان افسران بر آن شدند حزبی متشکل از زنان افسران تأسیس کنند. اولین جلسه آن به صورت یک مهمانی عصرانه تشکیل گردید. آن‌ها در نظر داشتند حزب زنان آن‌جا ابتدا با شرکت زنان افسران شکل بگیرد و سپس زنان درجه‌داران و سایر اقشار جامعه نیز به آن بپیوندند. اما جلسه مذکور به دلایلی رسمیت نیافت و موکول به پنج‌شنبه بعد گردید. شهربانی بهبهان از این موضوع مطلع گردید و گزارش آن به‌طور شگفت‌آوری به شهربانی کل کشور و سپس به اطلاع نخست‌وزیر رسید. نکته قابل ذکر این است که گزارش شهربانی بهبهان اظهارنظر مقامات آن شهر است. با توجه به اوضاع بهبهان که: «اکثراً خوانین ایلات بهبهان و اهالی آن‌جا خرافاتی محض و متعصب و جاهل‌اند تشکیل این حزب صلاح نیست.» نخست‌وزیر نیز دستور تحقیق در این باره را صادر کرد و هشدار داد که از «عملیاتی که باعث به هم خوردن انتظامات می‌شود جلوگیری نمایند»<sup>۱</sup>

فعالیت و مبارزات اجتماعی زنان ایران در محافل و جراید خارجی نیز مورد توجه قرار گرفته بود. در مجله آریاتیک ریویو<sup>۲</sup> مقاله‌ای توسط لرد دانستی<sup>۳</sup> درباره اوضاع ایران در سال‌های جنگ منتشر شده که با بدبینی بسیار موقعیت ایران را توصیف کرده و آینده‌ای ناخوشایند برای آن پیش‌بینی کرده بود. اما به نکته‌ای خاص در مورد زنان ایران توجه دارد و می‌نویسد:

هر کس روزنامه‌های ایران را در این روزها بخواند تصور خواهد نمود که این کشور باستانی با قدمت تاریخی به کلی از پای درآمده و اگر هم به کلی فانی نشده اقل‌مراحل احتضار را می‌پیماید. ناخوشی ایران قابل معالجه نیست، فقر عمومی چاره‌ناپذیر است. همه این‌ها غفلتاً در ایران راه یافت. در همین مدت و با همین عدم طی مراتب ترقی، ایران خود را با یکی از مهم‌ترین و مشکل‌ترین نهضت‌های اجتماعی یعنی آزادی زنان مواجه دیده است.<sup>۴</sup>

زنان فعال، آگاهانه و با دقت به اختلافات و تبعیضات اجتماعی بین مردان و زنان توجه داشته و به گونه‌های مختلف آن را مطرح می‌کردند. محرومیت زنان از شرکت در میادین ورزشی را یکی از حقوق پایمال شده خویشتن تلقی می‌کردند و مکرراً در روزنامه‌ها و یا سخنرانی‌ها درباره آن سخن می‌گفتند و ابراز تأسف می‌کردند، حتی ممنوعیت ورود زنان

۱. سازمان اسناد ملی ۳۷۹۱ مورخ ۱۳۲۴/۱۱/۶ ش به نقل از احزاب سیاسی ایران صص ۶۷-۸.

2. Ariatic Review

3. Lord Dynasty

۴. روزنامه ایران ما سال سوم شماره ۴۳۹ دوشنبه ۲۲ مرداد ۱۳۲۴.

را به زورخانه جهت تماشا مورد انتقاد و اعتراض قرار می‌دادند. این در هنگامی بود که خبر مسابقه والیبال زنان رشت را با زنان شوروی در روزنامه‌های تهران می‌خواندند که پیروزی زنان رشت در این مسابقه را مورد تقدیر و تحسین قرار داده بودند. این امر زمانی تحقیرآمیز به نظر می‌آمد که ورزشگاه‌ها و مدارس دخترانه و بنگاه‌های پرورشی مورد تهدید و حمله قرار می‌گرفت.<sup>۱</sup>

برخی از انجمن‌ها و احزاب مذهبی هم در این رابطه مخالفت‌هایی داشتند. آن‌ها با بعضی از آزادی‌های اجتماعی دوران حکومت رضاشاه درباره زنان سخت مخالف بودند آن‌ها در واکنش به این امر مقدار قابل ملاحظه‌ای قواره پارچه چادری برای زنان بی‌بضاعت جنوب شهر تهیه کرده و به‌طور رایگان در اختیار آن‌ها قرار می‌دادند. همچنین زنان و دختران بی‌حجاب را ملامت کرده و به آن‌ها تذکر می‌دادند. گاهی هم مدیران مدارس دختران را تهدید می‌کردند. در مجلس نیز برخی از وکلا خواستار اقداماتی در مورد بی‌حجابی بودند.<sup>۲</sup>

### فعالیت‌های زنان در بُعد اجتماعی

ذکر این نکته ضروری است که با وجود تلاش‌های مکرر زنان برای احقاق حقوق اجتماعی خود و نیز مخالفت‌های عمومی و سیاسی با حضور زنان در عرصه اجتماع، زنان در طی این سال‌ها، در فعالیت‌های اجتماعی به‌خصوص در امور خیریه مشارکت گسترده‌ای داشتند و آلام مردم را که در اثر پی‌آمدهای جنگ بدان مبتلا شده بودند تسلی می‌بخشیدند و در رفع مشکلات و نیازمندان اقدامات ارزنده‌ای انجام می‌دادند. جمعیت شیر و خورشید سرخ، کانون بانوان، انجمن‌های زنان و حتی زنان نیکوکار به‌طور انفرادی خدماتی را عرضه می‌کردند. در روزنامه‌ها صفحاتی به امور زنان اختصاص داشت که در آن‌ها امور مربوط به زندگی، نگهداری اطفال و بهداشت و سایر امور را راهنمایی می‌کردند. جلسات مکرر سخنرانی درباره مسائل اجتماعی زنان تشکیل می‌دادند؛ موضوع ازدواج در ایران و آداب و رسوم آن مورد نقد قرار می‌گرفت. پروین پاکدامن در کانون بانوان در این باره سخنرانی کرد و معتقد بود که آرزو و خواست و تمایل دختران چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد و تصمیم والدین سرنوشت‌ساز است و معتقد بود که:

متأسفانه باید تصدیق کرد که در مملکت ما تاکنون اغلب ازدواج‌ها پیمانی بیش نبوده که

۱. روزنامه ایران ما سال دوم شماره ۴۱۴ یکشنبه ۲۰ خرداد ۱۳۲۴ ش و شماره ۴۱۵ دوشنبه ۲۱ خرداد ۱۳۲۴.

۲. (روزنامه ایران ما شماره ۴۱۵ یکشنبه ۲۱ خرداد ۱۳۲۴ و فروغ سال اول شماره ۲۶-۱۸ دی ۱۳۲۴).

در آن هیچ‌گونه تناسب معنوی وجود ندارد و فقط ظاهر حکمفرما بوده است. همین‌قدر پدر و مادر از حیث شأن و نسب و تمول با یکدیگر جور آمدند دخترشان هم باید به آتش خودخواهی آن‌ها بسوزد.<sup>۱</sup>

در هر حال، اوضاع ایران و حضور نیروی‌های شوروی و ماجرای آذربایجان و طرح دعاوی ایران در شورای امنیت سازمان ملل متفق و اغتشاشات کردستان و ناآرامی گیلان و زمزمهٔ تمرد جنوب کشور، به اضافهٔ گرانی و کمبود آذوقه و قحطی و بیماری‌های اپیدمی و بالأخره مخالفت متعصبین مجالی برای دولت باقی نگذاشته بود تا به مسائل اجتماعی زنان رسیدگی کند. در سال‌های بعد نیز مسائلی مانند ملی شدن نفت و کودتای ۲۸ مرداد باعث تأخیر مکرر در موضوع حقوق اجتماعی زنان گردید. سرانجام در سال ۱۳۴۱ بود که زنان حق شرکت در انتخابات را به دست آوردند. اما مبارزات آن‌ها به انواع مختلف در تمام این سال‌ها ادامه یافت.

#### منابع

- آموزگار، حسین، ۱۳۲۶، نفت و حوادث آذربایجان انتشارات اطلاعات ص ۷۶.  
ایوانف، ۱۳۵۶، تاریخ نوین ایران، ترجمهٔ حسن قائم‌پناه ص ۹۴.  
بیانی، خانبابا، ۱۳۵۷ غم‌ه آذربایجان، چاپ اول، انتشارات زریاب ص ۲۵۲.  
روزنامهٔ فروغ، سال اول شماره‌های ۲۱، ۲۳، ۲۷، ۵۲، ۷۳، ۱۳۲۴-۱۳۲۵.  
روزنامهٔ مذاکرات مجلس، سال اول، شمارهٔ ۲۱۳، دوشنبه ۱۴ آبان ۱۳۲۴ ش و شمارهٔ ۱۵ سه‌شنبه ۱۵ آبان ۱۳۲۴.  
روزنامهٔ ایران ما، سال دوم شمارهٔ ۴۱۴، یکشنبه ۲۰ خرداد ۱۳۲۴.  
روزنامهٔ ایران ما، سال سوم شمارهٔ ۴۴، ۴۹، ۴۴۹، ۴۵۲، ۱۳۲۴.  
روزنامهٔ ایران سال سوم شمارهٔ ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۳۹، ۱۳۲۴.  
روزنامهٔ اطلاعات سال نوزدهم شمارهٔ ۵۶۵۵، چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۳۲۴.  
روزنامهٔ فرمان، شمارهٔ ۱۸۰۷۰، اردیبهشت ۱۳۲۴.  
سازمان اسناد ملی ایران شمارهٔ ۳۱۰۰۰۵۹۰/۷۶۰ آ د ۱ پروندهٔ ۳۰۳۳۴ تشکیلات زنان سند شمارهٔ ۵۷ مورخ ۱۹ آبان ۱۳۲۴.  
سازمان اسناد ملی ایران، شمارهٔ ۳۱۰۰۰۵۹۰-۷۶۰ ض ۲ آ د ۱ شمارهٔ سند ۳۰۳۳۴-۱۴۲۸۱ مورخ ۱۳۲۴/۸/۲۰.  
سازمان اسناد ملی ایران (کتابخانهٔ مرکز آمار ایران) شمارهٔ ۱۸۴۱۱، شمارهٔ ۱۰۳۰۰۷-۷۰۴۶.

۱. روزنامهٔ فروغ سال اول شمارهٔ ۲۱ دوشنبه ۲۵ آذر ۱۳۲۵.

- سازمان اسناد ملی ایران همان سند، شماره ۱، ۸۰۶۹ مورخ ۱۳۲۴/۹/۱۹ و سند شماره ۱۰۲۲۸-۱۳۲۴/۹/۱۳.
- سازمان اسناد ملی به نقل از اسناد احزاب سیاسی صص ۶۷-۶۸.
- سازمان اسناد ملی سند شماره ۶۰۲۸۴-۹۲۹۰۷ مورخ ۱۳۲۴/۱۲/۲۱.
- سازمان اسناد ملی شماره ۱۰۹۰۳-۳۸۹، به نقل از احزاب سیاسی ایران، ص ۶۷.
- سازمان اسناد ملی شماره ۱۰۹۰۴-۱۳۷۳، شماره سند ۱۳۰۱-۱۹۴۸ مورخ ۱۳۲۴/۶/۱۴ به نقل از اسناد سیاسی ایران ص ۶۶.
- سازمان اسناد ملی شماره ۷۹۱ مورخ ۱۳۲۴/۱۱/۶، به نقل از احزاب سیاسی ایران شماره ۶۶-۶۷.
- سازمان اسناد وزارت امور خارجه کارتین ۱۲ جزودان ۱۲ پرونده شماره ۱۱۱ سند شماره ۲۸۲، سوم بهمن ۱۳۲۴ ش، گزارش سرکنسول ایران در باکو.
- طیرانی، بهروز (به اهتمام) *اسناد سیاسی ایران*، سازمان اسناد ملی، شماره ۱۰۹۰۴-۱۳۷۲، شماره سند ۱۳۰۱-۱۹۱۸ مورخ ۱۳۲۴/۶/۱۴ ص ۶۶.
- گربمبگ کارل ۱۳۷۱، *تاریخ بزرگ جهان*، ترجمه دکتر اسماعیل دولتشاهی، چاپ اول، جلد ۱۲، انتشارات یزدان، ص ۲۴۲.
- لنجافسکی ژرژ، ۱۳۵۱، *غرب و شوروی در ایران*، سی سال رقابت ۱۹۴۸-۱۹۱۸، ترجمه حورا یآوری، انتشارات ابن‌سینا، ص ۲۲۱- آوری پتیر ۱۳۳۲، *تاریخ معاصر ایران از تأسیس پهلوی تا کودتای ۲۸ مرداد*، ۱۳۳۲، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، جلد دوم، عطایی، ص ۱۹۱.
- مورخ‌الدوله احمدعلی سپهر ۲۵۳۵، *شاه ایران در جنگ دوم*، دانشگاه ملی ص ۱۱۴.
- هدایت مهدیقلی خان، *مخبرالسلطنه*، ۱۳۴۴ ش *خاطرات و خطرات* چاپ دوم انتشارات زوار ص ۴۳۵.
- همان سند شماره ۱۰۹۰۴-۱۳۷۱، صص ۶۸-۷۰.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی